



زندگینامه خودنوشت آیه الله بحر العلوم قزوینی

سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور)



آیه الله بحر العلوم قزوینی

مقدمه:

علامه رجالی سترگ معاصر مرحوم مغفور شیخ آقا بزرگ تهرانی - طاب ثراه - در تألیف موسوعه گرانقدر رجالی خود، یعنی طبقات اعلام الشیعه، که به حق شناسنامه شیعه است. علاوه بر تتبع متون تراجم و رجال، در بخش نقباء البشر که اختصاص به معاصرین خود دارد، در موارد بسیاری از فضلا و دانشمندان معاصر درخواست شرح حال کرده و آنها نیز شفاهاً یا کتباً خواسته ایشان را اجابت کرده‌اند؛ و در حقیقت بخش قابل توجهی از تراجم نقباء البشر بدین وسیله گرد آمده است. و باید بدین نکته توجه داشت که مؤلف به روش و سیاق خود مطالب را خلاصه و در کتاب درج می‌کرده است. و بسیاری از نامه‌ها که در نقباء خلاصه شده‌اند، به لحاظ احتواء بر فوائد کتابشناسی و رجالی، بیشتر قابلیت چاپ مستقل را دارند. نگارنده در مدتی که اشتغال به تصحیح و تدوین و تهذیب مسودات بخش چاپ نشده نقباء داشته، برخی از این مکاتبات را دیده که در خور چاپ و عرضه به دوستداران میراث اسلام و ایران است. از جمله آنها، نامه دانشمند متبّع و خطیب خبیر آیت‌الله سید محمد بن هبه الله موسوی بحر العلوم قزوینی است که حیات علمی و نسب نامه و فهرس تصانیف خویش را به اختصار مرقوم فرموده است. وی پسر عم فیلسوف نامدار معاصر حکیم سید ابوالحسن رفیعی قزوینی - قدس سره - و اصلاً از سادات طالقان است. مرحوم بحر العلوم قزوینی به تاریخ ۱۳۳۲ ش/ ۱۳۷۲ هـ در تهران وفات یافت و ایشان را در قبرستان شیخان قم به خاک سپردند. خلف الصدق ایشان جناب حجت‌الاسلام سید عباس مرعشی آلان در مشهد مقدس به وظایف شرعی قیام دارند، که مرحوم بحر العلوم یک کتاب نحوی نیز به نام ایشان (عباسیه) نوشته است. لازم به ذکر است که دو عدد از تصانیف ایشان به نام‌های: شرح مبسوط

عوامل ملامحسن نحوی قزوینی و دیگری تاریخچه نهضت جنگل، نزد نوه ایشان همکار فاضل و ارجمند جناب آقای سید محمد حسین مرعشی بود که به کتابخانه مجلس واگذار کردند و ظاهراً بقیه آثار نیز نزد خانواده موجود است.

دو تصویر مرحوم بحر العلوم را که در این مقاله آورده‌ایم، نوه آن مرحوم با کمال لطف در اختیار نگارنده گذاشته است.

ایفک آن مکاتبه:

قربانت شوم، از پا افتاده‌ام، چشمم هم به زیاد نوشتن اجازت نمی‌دهد و گرنه شرح می‌دادم که چه پیش آمدی مانع از پذیرایی حضرت‌تعالی شد. در هر صورت اجمال ترجمه احوال این است:

فقیر سید محمد در سال ۱۲۹۶ هجری در قزوین متولد شده و پس از رشد در ۱۳۱۳ ق از برای تحصیل به اصفهان تاختم، در حالتی که قبل از آن در قزوین به تدریس مطول و غیره می‌پرداختم و عمده تلمذم در اصفهان خدمت نابغه عصر خویش حاج آقا منیر بروجردی ره - و در ریاضیات استیادم مرحوم حاج ملا ابوالقاسم زفره‌ای بود که در فنون خود اعجبوبه آن دوره شمرده می‌شد. و پس از مسافرت به عتبات و امتحانات مشاهیر مدرسین، حوزه مرحوم آیت. . . آخوند خراسانی را برگزیده، و ضمناً تدریس سطح را نیز متروک نداشتم. و پس از معاودت به ایران، داستان مشروطیت و موانع ناگفتنی و نا نوشتنی، به ترک عناوین علمی و انحصار نتایج زحمات، به موعظت و تصنیف و تألیف مجبورم ساخت. و چون پدران ما از طالقان به قزوین مهاجرت نموده بودند، یک چند اجدادم را از سادات مرعشی آن سامان و حبسینی می‌پنداشتم، لیکن پس از فحوص و تدقیق بسیار به مفاد خبر معروف «من جد الخ» تقریباً کوشش بیست ساله به هدر نرفته و بالاخره معلوم شد که پدران ما از طبقه مرعشیه نیستند، بلکه سلسله ایشان به وجود مسعود

امام هفتم. علیه الصلوه والسلام. منتهی می‌گردد. بالجمله پس از صدمات فراوان با عیالات به مشهد مقدس رفته و لنگر انداختم؛ لیکن در قصه حجاب و تغییر کلاه، بهلول علم مخالفت افراشته و خلق را نیز به همراهی واداشت و جمعیت بسیاری به خانه‌ام ریخته و جبراً به مسجدم بردند و به دست دولتیانم سپردند، و مغلولاً به تهرانم آورده، در زندان خراب، و محبس جدید شهر، و قصر قجر، قریب دو سال و نیم کشمکشم دادند. و پس از رهایی ثانیاً گرفته و مدتی نگاهداشتند. دیگر چه شد بماند. همین قدر عرض می‌کنم بعد از رها شدن تدریجاً به تحلیل رفته، ضیق نفس و امراض دیگر هم توأم گردیده امروز به کلی از پا افتاده و نمازهای خود را نشسته، آن هم به زحمت با تیمم و بدن ناپاک انجام می‌دهم، تا چه پیش آید ندانم.

و صورت اسامی اجداد و مؤلفاتم از این قرار است: شجره: سید محمد بحر العلوم بن میرزا هبه الله بن حاج میرزا رفیع مجتهد بن میر سید علی بن میرزا عبدالباقی بن میر محمد صالح مجتهد بن میر محمد رفیع مجتهد (از اعظام تلامذ میز مجلسی) بن میر محمد زمان طالقانی بن سید شفیع بن سید مرتضی بن حبیب‌الله بن ولی بن محمد بن احمد بن عبدالله بن شمس‌الدین محمد بن تاج‌الدین بن شرف‌الدین بن حسین بن عالی بن صدرالدین بن نظام‌الدین بن محمود بن جمال‌الدین بن محمود بن صدرالدین بن مظفرالدین بن احمد بن سید عبدالله بن الامام سیدنا و مولانا و مقتدانا

موسی بن جعفر. صلوات الله و سلامه علیهما و علی اجدادهما و اولادهما المعصومین، منقول از رساله موسوم به شجره طیبه.

اما مؤلفات فقیر به ملاحظاتی اغلب تغییر نام یافته، کتب و رسائل به عنوان فهرست:

- ۱) کتاب اسرار الخواص در مراتب ائمه. علیهم السلام؛
- ۲) کتاب در علم امام. علیه السلام. (بخش پنجم)؛
- ۳) کتاب در شفاعت (بخش ششم)
- ۴) کتاب در حکایات (بخش هفتم)؛
- ۵) کتاب در مطالب متنوعه سه مجلد (بخش هشتم)؛
- ۶) کتاب جغرافیای عالم در سه مجلد بزرگ؛
- ۷) کتاب در شرح عوامل ملامحسن بسیار مفصل؛
- ۸) کتاب بزرگترین چیزهای دنیا؛
- ۹) کتاب اول کسان در مخترعین و مکتشفین عالم.
- ۱۰) رساله در جبر و تفویض (بخش اول)؛

۱۱) رساله در عصمت (بخش دوم)؛

۱۲) رساله در توالد و تناسل اولاد حضرت ابوالبشر علیه السلام (بخش سوم)؛

۱۳) رساله در دختران حضرت امیر. علیه السلام (بخش چهارم).

مجموعه این چهار رساله اخیر در یک مجلد به سال ۱۳۲۵ شمسی به طبع رسیده و این چهار بخش تا چهار بخش نامبرده مجموعاً به نام « مواهب القدسیه » در زندان تشکیل یافته و تدوین آنها بعد از خلاصی تکمیل شده است. و جز این ها در زندان چیزهای دیگری نیز نوشته ام و اشعار بسیاری انشاد کرده ام که بعضی از آنها مورد توجه ادباء قرار گرفته.

۱۴) رساله در ولایت مطلقه و خاصه (به طبع رسیده و ظاهراً ۱۳۶۶ هجری بود)؛

۱۵) رساله توحیدیه که اصل آن از عالمی بزرگ بوده و به تلخیص و تنقیه و تهذیب فقیر در سال

۱۳۷۱ هجری به طبع رسیده:

۱۶) رساله در تاریخچه برامکه؛

۱۷) رساله در تاریخ آل عباس؛

۱۸) رساله در تاریخ جنگ اول و دوم بین الملل؛

۱۹) رساله در تاریخ سولون و المپیاد؛

۲۰) رساله در تاریخ میرزا کوچک خان؛

۲۱) رساله در پیدایش چای و دستور شرب عشبیه؛

۲۲) رساله در خطاطین؛

۲۳) رساله موسوم به شجره طیبه در اجداد حضرت رسول (ص)؛

۲۴) رساله عجائب غرائب؛

۲۵) رساله محو و اثبات،

۲۶) رساله دو گوهر (الماس و مروارید)؛

۲۷) رساله دو موزی (الکل و تنباکو)؛

۲۸) رساله در قرآت مختلفه قرآن کریم؛

۲۹) رساله در تجربیات طبّی؛

۳۰) رساله در اوزان و مقائیس ملل عالم؛

۳۱) رساله در ذوات الاذئاب؛

۳۲) رساله در شهاب و قوس و قزح (که در شرع

به قوس الرحمان تعبیر شده)؛

۳۳) حاشیه مختصر بر شرح لمعه؛

۳۴) دیوان مختصر در اشعار؛

۳۵) رساله در لغات مختلفه (فارسی و عربی و

ترکی و هندی و اروپایی)؛

۳۶) استخاره نامچه که از آیات قرآن کریم

انتخاب شده به طرز بدیع؛

۳۷) رساله در ابیاتی که یک مصرع از هر یک، مثل

و معروف و مصرع دیگرش بر اغلب نامعلوم است.

۳۸) متمم کتاب جام جم حاج فرهاد میرزا و جز

اینها، رسائل دیگری نیز ناتمام یا متفرق به قلم

آمده، لیکن موانع از جمع و تدوین آنها تاکنون

جلوگیری شده.

التماس دعا دارم و محتاج به دعایم شعبان ۱۳۷۱ هجری

[خط شیخ آقا بزرگ] هذه الورقة بخط المصنف

لتلك الكتب ارسله الينا في التاريخ، ثم انه - رحمه

الله - توفي بطهران بعد هجرته من المشهد المقدس

اليها في عده سنين.

۱. مقصود، حدیث مشهور: « من طلب شيئاً و جدَّ و جدَّ . . . »

است که منسوب به نبی اکرم (ص) است.

